

## یاد بگیرید که مزامیر را دوست داشته باشید

### درس ۲، مقدمه (بخش ۲): رفع دشواری‌ها

#### رابرت گادفری

ما با پیگیری هدف «یاد بگیریم مزامیر رو دوست داشته باشیم»، به مقدمه‌ی کتاب مزامیر برمی‌گردیم. درباره‌ی بعضی از دشواری‌های مربوط به درک کتاب مزامیر و شیوه‌ی مطالعه‌ی اون صحبت کردیم. در جلسه‌ی قبلی، کمی درباره‌ی ساختار کتاب مزامیر صحبت کردیم. من استدلال کردم که در واقع، این پنج کتاب، یه ویژگی‌هایی دارند. کتاب اول، «اعتماد به مراقبت خدا»؛ کتاب دوم، «تعهد به ملکوت خدا»؛ کتاب سوم، «بحران وعده‌های خدا»؛ کتاب چهارم، «تسلی در وفاداری خدا»؛ و کتاب پنجم، «جشن نجات خدا».

پس یه حرکتی هست، یه پیشرفتی در ویژگی کلی کتاب مزامیر هست؛ اما البته که این چالش رو هم داشتیم که به‌طور جداگانه به مزامیر رسیدگی کنیم و برای نحوه‌ی مطالعه‌ی شعر عبری ارزش قائل بشیم. به‌طور خاص، خوندن شعر عبری، دشوار نیست، اما چند نکته وجود داره که باید به یاد داشته باشیم، این درباره‌ی همه‌ی شعرها صدق می‌کنه.

هدف شعر اینه که سرعت ما رو کاهش بده، ما رو به فکر واداره و مسائل رو طوری بیان کنه که با قدرت بیشتری به نکته اشاره کنه. پس فقط به خط اول مزمور ۲۳ فکر کنید، «خداوند شبان من است». حُب، این یه روش شعری برای گفتن اینه که «خداوند از من مراقبت می‌کنه». من مطمئن نیستم که «خداوند شبان منه»، چیز دراماتیکی رو به کلمات «خداوند از من مراقبت می‌کنه» اضافه کرده باشه، اما قطعاً این حقیقت رو با قدرت بیشتری بیان کرده، این به‌یادموندنی‌تره، شاید این روش مفیدتری هست.

این ویژگی شعره؛ غالباً با کلمات تصویری طوری صحبت می‌کنه که توجه ما رو جلب می‌کنه و حس قدردانی ما رو با کاهش سرعتمون، عمیق‌تر می‌کنه. به همین دلیل، تقریباً در ابتدای کتاب مزامیر، در مزمور ۱، درباره‌ی «خوشابحال کسی که» می‌خونیم، آیه ۲ از مزمور ۱: «رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند». پس کلام خدا، مخصوصاً اشعار کتاب مزامیر، به‌طور خودکار و بلافاصله، مفهومش رو بیان نمی‌کنه، بلکه برای رشد واقعی در شناخت کلام خدا باید تعمق کنیم.

حالا کلمه‌ی عبری برای «تعمق» می‌تونه، «زیر لب حرف زدن» هم ترجمه بشه. این تصویر کسی هست که با صدای بلند می‌خونه و دوباره می‌خونه و اجازه می‌ده با مطالعه‌ی مکرر حقیقت، این به‌نوعی در ما جاری بشه؛ وقتی بهش فکر می‌کنیم و تعمق می‌کنیم و اجازه می‌دیم که حقیقتش در ما وارد بشه و زیبایی‌اش، ما رو جذب کنه. این بخشی از کاری هست که تعمق

باید در ما انجام بده. مخصوصاً شعر عبری غالباً این تأثیر رو ایجاد می‌کنه یا هدفش اینه که این تأثیر رو با تکرار ایجاد کنه. این غالباً به تفکر رو فقط با تنوع هنری، از یه خط تا خط بعدی تکرار می‌کنه. پس به‌عنوان مثال، در این آیه؛ در کتاب اول، مزمور ۱، آیه ۲، «خوشبحال کسی که رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند.»

حالا عبارت مشابه در این‌جا، ایده‌ی رغبت در شریعت و تعمق در شریعت. این نسبتاً مشابه هست. اساساً به تفکر رو تکرار می‌کنه، فقط کمی اونو گسترش می‌ده؛ اما این تکرار، ما رو جذب می‌کنه که فکر کنیم: اگه رغبت ما در شریعت خدا باشه، آیا بر شریعت خدا تعمق نخواهیم کرد؟ اگه بر شریعت خدا تعمق کنیم، آیا رغبت ما بر شریعت خدا بیشتر نمی‌شه؟ می‌بینید چطوری عمل می‌کنه. این‌ها برای تأثیرگذاری نوشته نشدند. برای تندخونی نوشته نشدند. تندخونی کتاب مزامیر، ثمره‌ی کمی در زندگی ما داره، اما وقتی بر شریعت خدا تعمق کنیم، رغبت زیادی در اون خواهیم داشت.

حالا به چیز دیگه که در مطالعه‌ی مزامیر فوق‌العاده مفید بوده، اینه که به یاد داشته باشید که اغلب؛ نه همیشه، بلکه اغلب؛ در شعر عبری، اصل مفهوم در وسط شعره. اصل مفهوم در وسط شعره. به نظرم، غالباً در انگلیسی، معمولاً فرض می‌کنیم آخرین مطلبی که در یه فصل مطرح شده، آخرین مطلبی که در کتاب مطرح شده، آخرین مطلبی که در شعر بیان شده، مهم‌ترین مطلبه.

ما انتظار داریم که به‌نوعی به نقطه‌ی اوج برسه. پس به نظرم، این تفکر ناخودآگاه رو به مطالعه‌ی مزامیر منتقل می‌کنیم؛ اما اگه این کار رو بکنیم، احتمالاً نکته‌ی مهمی رو از دست می‌دیم. من گاهی اوقات می‌گم مزامیر غالباً به طرز عجیبی مثل هرم نوشته شده. شاید یهودیان اینو در مصر یاد گرفتند. بعید می‌دونم؛ اما این در همه‌ی مزامیر نیست، به نظرم در اکثر مزامیر، مفهوم مزمور به‌سوی نقطه‌ی مرکزی بالا می‌ره و بعد به‌طرف انتهای مزمور، پایین میاد و این نقطه‌ی مرکزی، اصل مفهومه.

این نقطه‌ی مرکزی هست. یه روش دیگه برای تفکر نموداری درباره‌ی این موضوع، تصویر چرخ هست که مرکز مزمور، مرکز این چرخه و همه‌چیز در این مزمور به این مرکز وصله. شما می‌تونید چیزهای زیادی درباره‌ی مزمور یاد بگیرید و براش ارزش قائل بشید، آرز بشید بهره‌مند بشید، بدون اینکه متوجه بشید که این مرکز، اصل نظم‌دهنده‌ی مزامیره؛ اما اگه متوجه بشیم که این مرکز، اصل نظم‌دهنده‌ی اونه، واقعاً ارزش بیشتری برای مزمور و مفهومش قائل می‌شیم.

دوباره با من به مزمور ۲۳ فکر کنید؛ یه مزمور بسیار آشنا، اما اگه مکث کنید و بهش فکر کنید، کمی عجیبه. این با صحبت درباره‌ی خداوند به‌عنوان شبان ما شروع می‌شه، اما با صحبت درباره‌ی پیروزی خداوند بر دشمنان، خداوند سفره‌ای می‌گسترانه، سر ما رو با روغن مسح می‌کنه، به پایان می‌رسه. یه شبان، میز ضیافت برای گوسفندان آماده نمی‌کنه.

یه شبان، سر گوسفندان رو با روغن مسح نمی‌کنه. این تصویر، کاملاً از شبان؛ شاید بتونیم بگیم؛ به پادشاه جنگجویی تبدیل شده که برای قومش پیروز شده. این چیزها چطوری در کنار هم قرار می‌گیرند؟ خُب، با مرکز مزمور در کنار هم قرار

می‌گیرند. در مرکز این مزمور، در وسطِ اون، کلماتِ خداوند «با منه» هست؛ این در وسطِ مزموره، در آیه‌ی ۴. گاهی اوقات، تقسیم‌بندی آیات در انگلیسی، پیدا کردنِ وسطِ مزمورِ عبری رو کمی سخت می‌کنه.

پس همه‌ی شما می‌تونید در دانشکده‌ی الهیات ثبت‌نام کنید، زبان عبری رو مطالعه کنید و زندگی‌تون خیلی راحت‌تر می‌شه؛ اما اگه کمی تلاش کنیم، حتی با کتاب مقدس انگلیسی هم می‌تونیم مرکز و چیزی رو پیدا کنیم که مزمور ۲۳ رو در کنار هم قرار می‌ده؛ این حقیقت که: خداوند «با منه». خداوند به‌عنوان شبان با منه. خداوند با منه تا منو با عصا و چوب‌دستی‌اش راهنمایی کنه. خداوند با منه تا منو تسلی بده، «چون در وادی سایه موت نیز راه روم.» خداوند با منه، حتی وقتی با دشمنان مواجه می‌شم. خداوند در نبرد با منه. خداوند با منه تا منو پیروز کنه. خداوند تا ابد با منه.

پس واقعاً عبارت «خداوند با منه»، اصلِ تنظیم‌کننده‌ی این شعره. اگه به مزمور ۲۳ در زبان عبری نگاه کنید، در زبان اصلی اون متوجه می‌شید که فقط می‌تونید خط‌ها رو بشمرید و وسطش رو پیدا کنید و یک‌دفعه، یه زاویه‌ی متفاوت دارید. می‌دونید، این حقیقت جدیدی نیست. این چیزی نیست که در گذشته به طریق‌های بسیار نمی‌تونستید ببینید، بلکه بخشی از موضوع جالب؛ می‌تونم این‌طوری بگم؟؛ بخشی از موضوع جالب در مطالعه‌ی شعر و درکِ کتاب مزامیر اینه که پیچیدگی تنظیم این مزمور رو ببینید. وقتی به وسطِ اون نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شیم که در بعضی از مزامیر؛ نه در همه‌ی اون‌ها، نه حتی در همه‌ی مزامیری که چنین مرکزی رو دارند؛ بلکه گاهی اوقات، آیه‌ی ۱ با آیه‌ی ۱۲ در انتها، تطابق داره.

پس نه‌تنها وسطِ مزمور، کلِ مزمور رو آشکار می‌کنه، بلکه با نگاهی به وسطِ مزمور، به‌سوی سؤالات ساختاری دیگه هدایت می‌شیم. پس می‌تونیم ببینیم که «آه، واقعاً یه تطابقی بین آیه‌ی اول و آخر هست»، این روشن‌کننده‌ی طرزِ نگرشِ ما به کتاب مزامیره. همون‌طور که به تنوع مزامیر می‌پردازیم، بعضی از اون‌ها رو بررسی خواهیم کرد.

مسئله‌ی دیگه، مشکل دیگه‌ای که مطرح می‌کنم، اینه که دقیقاً چه کسی در کتاب مزامیر صحبت می‌کنه. ما صدای چه کسی رو می‌شنویم؟ چه کسی صحبت می‌کنه؟ اگه به کتاب مقدس نگاه کنیم؛ نه‌تنها در کتاب مزامیر، بلکه اطرافِ کتاب مزامیر؛ متوجه می‌شیم که بارها، کتاب مزامیر به‌عنوان مزامیر داود خطاب شده.

داود در دوم سموئیل ۲۳، مزمورنویس شیرین اسرائیل خطاب شده. حتی در عهدجدید، مزامیر متعددی از مزامیر داود بازگو شده، اگرچه وقتی به عهدعتیق نگاه می‌کنیم، اسم داود در بالای اون مزامیر نوشته نشده. پس کتاب مقدس، عمیقاً کلِ مجموعه‌ی مزامیر؛ چه شخصاً توسط داود نوشته شده باشه یا توسط او نوشته نشده باشه؛ به‌عنوان مزامیر داود می‌شناسه. این‌ها اکثراً اشعار داود هستند. به نظرم، او بعضی از اون‌ها رو نوشته؛ بعضی از اون‌ها قطعاً در عنوانشون به داود نسبت داده شدند؛ اما علاوه بر این، به نظرم می‌تونیم بگیم همه‌ی این مزامیر باید به‌عنوان مزامیر شاهانه در نظر گرفته بشه.

شخص اولیه، شخص اساسی که در این مزامیر صحبت می‌کنه، پادشاه قوم خداست. گاهی اوقات، شخصاً با خودش صحبت می‌کنه؛ به‌عنوان مثال، مزمور ۵۱، توبه‌ی واضح داود به‌خاطر گناهِش با بت‌شَبَع هست. گاهی اوقات با کل جماعت صحبت می‌کنه. او در دعا نمی‌گه: «من»، بلکه می‌گه: «ما». خواه به‌صورت اول شخص مفرد صحبت کنه یا اول شخص جمع، او برای خودش و قوم صحبت می‌کنه. به همین دلیل با خوندنِ مزمور ۵۱ نمی‌گیم، «آه، خوشحالم که داود از گناهِش توبه کرد» و بعد ادامه بدیم. نه، ما مزمور ۵۱ رو می‌خونیم و می‌گیم، «این مزمور برای اعتراف به گناهِمه. می‌تونم با کلام داود ارتباط برقرار کنم، چون او نه‌تنها برای خودش صحبت کرد، بلکه برای قوم هم صحبت کرد.»

اینکه داود، به‌طور شخصی و برای جماعت صحبت می‌کنه، در طول قرن‌ها، قوم خدا رو به‌سوی کتاب مزامیر جلب کرده. این تفکر داوده، اما می‌تونه تفکر من هم باشه. حالا گاهی اوقات باید بدونم یه فاصله‌ای بین من و داود هست. من دقیقاً مرتکب همه‌ی گناهان داود نشدم. همه‌ی تجربیات داود رو تجربه نکردم؛ اما یه حس عمیقی هست و ما می‌خوایم در ادامه این رو بیشتر بررسی کنیم؛ حس عمیقی از اینکه تاریخچه‌ی داود، تاریخچه‌ی ماست. به نظرم، این چیزیه که به‌عنوان مسیحیان عهدجدید باید تلاش کنیم به یاد بیاریم. این «تاریخچه‌ی ما»، کلیسا؛ و بعد «تاریخچه‌ی اون‌ها»، عهدعتیق نیست. کل این، تاریخچه‌ی ماست. عهدعتیق، به‌اندازه‌ی کتاب اعمال، تاریخچه‌ی ماست؛ و باید یه حسی نسبت بهش داشته باشیم و در اون وارد بشیم. امیدوارم در درس‌هامون درباره‌ی مزامیر، اینو با وضوح بیشتری ببینیم.

اما چیزی که این‌جا اهمیت خاصی داره، اینه که این مزامیر شاهانه می‌تونن به‌عنوان «مزامیر عیسی» عمل کنند. عیسی از نواده‌های داوده؛ بنابراین، چیزی که درباره‌ی داود صدق می‌کرد، به‌طور عمیق‌تر درباره‌ی عیسی هم صدق می‌کنه. همون‌طور که داود مزامیر رو گفت، عیسی هم مزامیر رو بیان می‌کنه. حالا این‌جا چند تا مشکل هست. بعداً بهش مراجعه می‌کنیم؛ اما الآن به نظرم باید به یاد داشته باشیم که بیشترین نقل‌قول‌ها و اشارات عهدجدید، از کتاب مزامیره. عهدجدید، مملو از دانش کتاب مزامیره. بعضی از مزامیر مکرراً نقل‌قول شدند.

عیسی با استفاده از مزمور ۱۱۰، فریسی‌ها رو حیران کرد. «بپوه به خداوند من گفت: «به دست راست من بنشین.» عیسی می‌گه، «این‌جا داود چه کسی رو «خداوند» خطاب می‌کنه؟» «خداوند»، خدا به «خداوند من گفت»؛ داود می‌گه، «خداوند من»؛ «به دست راست تو بنشین.» پس خدا به خداوند داود گفت، «به دست راست من بنشین.» این چه کسی می‌تونه باشه؟ فریسیان می‌گفتند، «این مسیحاست.» بعد عیسی دهانشون رو با این کلام بست، «چطوری پسر داود می‌تونه خداوندش باشه؟» در دنیای باستان، یه پسر هرگز خداوند پدرش نمی‌شد. پدر همیشه خداوند پسر بود. عیسی چطوری می‌تونه خداوند داود باشه؟ خُب، چون او پسر خدا و پسر داوده؛ اما البته که فریسی‌ها نمی‌خواستند به این اشاره کنند. پس نتونستند به او جواب بدن. به همین دلیل بارها از مزمور ۱۱۰ نقل‌قول شده.

ما می‌دونیم که مزمور ۲۲ در مورد مصلوب شدن بازگو شده. مزمور ۲ در مورد جلال یافتن عیسی بازگو شده. پس عیسی می‌تونه مزامیر رو به‌عنوان مزامیر خودش اعلام کنه. یکی از نمونه‌های موردعلاقه‌ی من در این مورد، غالباً نادیده گرفته شده. خیلی عادی باهاش برخورد شده و اون در عبرانیان باب ۲، آیه‌ی ۱۲ هست.

حُب، بذارید از عبرانیان باب ۲، آیه‌ی ۱۰ شروع کنم. ما می‌خونیم، «زیرا او را که به‌خاطر وی همه و از وی همه‌چیز می‌باشد؛ این عیساست؛» چون فرزندان بسیار را وارد جلال می‌گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند؛ یا در واقع، خدا به عیسی اشاره می‌کنه که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند؛ «زانرو که چون مقدس‌کننده و مقدسان همه از یک می‌باشند، از این جهت [عیسی] عار ندارد که ایشان را برادر بخواند.

چنانکه می‌گوید: «اسم تو را به برادران خود اعلام می‌کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهیم خواند.» حُب، این‌جا عبرانیان از مزمور ۲۲ نقل‌قول می‌کنه. یه آیه‌ی بسیار معمولی. «اسم تو را به برادران خود اعلام می‌کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهیم خواند.» اما عبرانیان می‌گه فقط داود اینو نمی‌گه؛ عیسی اینو می‌گه! پس او از یه مزمور مبهم یا واقعاً خاص برای اشاره به این نکته نقل‌قول نمی‌کنه.

او فقط می‌گه کل کتاب مزامیر، کلام عیساست! حالا می‌تونیم بگیم، «نه، نه، نه، یه لحظه صبر کن. هیچ‌کدوم از این‌ها ترفند و اعظ نیستند. عیسی چطوری می‌تونه درباره‌ی مزمورِ اعتراف به گناه صحبت کنه؟» آیا عیسی می‌تونه مزمور ۵۱ و اعتراف به گناه در نزد خدا رو اعلام کنه؟ نظر شما چیه؟ آیا او گناهان ما رو بر خودش گرفت؟

آیا او توبه‌ی ما رو بر خودش گرفت؟ ما عمیقاً می‌دونیم که عیسی هرگز شخصاً مرتکب گناه نشد، اما در تعیین هویت با قومش، در برداشتن گناهان قوم بر خودش، حتی می‌تونه به خاطر این قوم، به گناهانشون در نزد خدا اعتراف کنه، انگار اون‌ها گناهان خودش هستند.

او گناهان ما رو بر خودش گرفت. پس من عمیقاً فکر می‌کنم که می‌تونیم بگیم هر بخش از کتاب مزامیر، کلام عیسی پادشاه و کلام داود پادشاهه که برای قومش صحبت می‌کنه. به همین دلیل، عنوان رسمی من برای این کتاب‌های کتاب مزامیر، «اعتماد پادشاه به مراقبت خدا»، «تعهد پادشاه به ملکوت خدا»، «بحران پادشاه نسبت به وعده‌های خدا»، «تسلی پادشاه در وفاداری خدا»، «جشن پادشاه برای نجات خدا» هست. وقتی به‌طور شاهانه به اون‌ها فکر می‌کنیم، این ما رو حذف نمی‌کنه، بلکه ما رو از نو معرفی می‌کنه.

این‌ها مزامیر ما در مورد پادشاه هستند و پادشاه، ما رو نزد خدا می‌بره. به نظرم، این در ادامه‌ی مسیر به ما کمک می‌کنه و دوباره امیدوارم در ادامه بهش رسیدگی کنیم.

پس وقتی این سؤال رو درباره‌ی ارتباط عهدعتیق و عهدجدید می‌پرسیم؛ آیا سرودهای عهدعتیق واقعاً می‌تونه در عهدجدید در خدمت ما باشه؟ به نظرم قبلاً اینو دیدیم، با تفکر در مورد عیسی می‌تونیم بگیم: بله، حقیقتاً؛ همون طور که کتاب عبرانیان می‌تونه از کتاب مزامیر به‌عنوان کلام مستقیم خدا نقل قول کنه که در عهد جدید برای هویت ما و کلام و احساس ما مورد نیازه؛ پس این در مورد کل کتاب مزامیر صدق می‌کنه. حالا مردم می‌گن، «حُب، آیا چیزهای خاصی در کتاب مزامیر نیست که واقعاً باهاش ارتباط برقرار نمی‌کنیم؟» حُب، بستگی داره که به چی فکر می‌کنید. شاید به چیزهایی فکر می‌کنید که در مورد اورشلیمه، «من به اورشلیم می‌رم.» آیا این مربوط به عهدعتیق نیست؟ حُب، شما شهروند چه شهری هستید؟

پولس می‌گه شما شهروند آسمان هستید. در عبرانیان ۱۲ می‌خونیم که آسمان، «اورشلیم آسمانی» نیز نامیده شده. در کتاب مزامیر، انواع گفتگوها رو درباره‌ی معبد داریم. حُب، ما معبد نداریم، درسته؟ ما یه معبد آسمانی داریم! معبد زمینی نداریم، اما یه معبد آسمانی داریم. پس بسیاری از این تصاویر، تصاویر آماده‌سازی که در کتاب مزامیر از عهدعتیق داریم، اکنون در مفهوم روحانی در عهد جدید به تحقق رسیدند و به ما اجازه می‌دن کاملاً به ستایش و روحانیت کتاب مزامیر پردازیم.

وقتی درباره‌ی معبد می‌خونیم، این برای ما نامربوط نیست، بلکه ذهنمون رو به آسمان، به معبد آسمانی مون می‌بره. وقتی درباره‌ی قربانی‌ها می‌خونیم، ذهن ما رو به مسیح و قربانی کاملی که او روی صلیب، بر مذبح صلیب برای گناهان ما تقدیم کرد، سوق می‌ده. پس همه‌ی این‌ها هنوز تاریخچه‌ی ماست، تجربه‌ی ماست، روحانیت ماست. حالا می‌تونید به سراغ آیاتی برید که شاید کمی سخت‌ترند. مزمور ۸۳، آیه‌ی ۵: «زیرا به یک دل با هم مشورت می‌کنند و بر ضد تو عهد بسته‌اند. خیمه‌های ادوم و اسماعیلیان و موآب و هاجریان. جبال و عمون و عمالیق و فلسطین با ساکنان صور. آشور نیز با ایشان متفق شدند و بازویی برای بنی لوط گردیدند، سلاه.»

بفرمایید. بفرمایید. ما واقعاً به این نیازی نداریم! به این نیازی نداریم! حُب، شاید نیاز داریم، چون این مزمور درباره‌ی کسانی هست که می‌گن، «بیایید ایشان را هلاک کنیم تا قومی نباشند و نام اسرائیل دیگر مذکور نشود.» آیا این‌ها کسانی نیستند که امروز می‌خوان کلیسا رو از بین ببرند؟ آیا این‌ها کسانی نیستند که امروز، در واقع در بعضی از همین جاها هستند؛ آشور، موسل امروز هست؛ واقعاً ملکوت خدا دشمن داره، با ملکوت خدا مخالفت می‌شه، حتی کسانی که می‌خوان ملکوت خدا رو از بین ببرند، امروز همچنان وجود دارند. امروز، همچنان باید جدی گرفته بشن. پس این سختی‌ها با تفکر و تمرکز بر اون‌ها، از بین می‌رن.

بعد گاهی اوقات با مشکل موضوعات مواجه می‌شیم. در کتاب مزامیر چه موضوعی هست؟ وقتی به این موضوع فکر کردم، به نظرم ما می‌تونیم موضوعات اساسی مزامیر رو به چند تا موضوع کاهش بدیم. بزرگ‌ترین موضوع مزامیر اینه: نیکویی و محبت شکست‌ناپذیر خدا برای عادلان.

این در همه‌ی مزامیر نیست، اما کتاب مزامیر بارها به این موضوع اشاره می‌کند. این چه موضوع مبارک و تشویق‌کننده‌ای هست؛ نیکویی و محبت شکست‌ناپذیر خدا برای عادلان. بعد، کتاب مزامیر، شگفت‌انگیزه، چون نه‌تنها این حقیقت برون‌ی رو به ما می‌دهد، بلکه به پاسخ درونی رو در درون ما ایجاد می‌کند. پس وقتی به نیکویی و محبت شکست‌ناپذیر خدا برای عادلان فکر می‌کنیم، واکنش ما، ستایشه. به همین دلیل این «کتاب ستایش‌ها» هست.

این موضوع بزرگه: مراقبت خدا از ما؛ و واکنش ما، ستایشه. بعد در مطالعات من، به نظرم حداقل سه موضوع ثانوی در بخش‌های مختلف کتاب مزامیره. اولی، گناه‌کار بودن عادلانه. این به مشکله؛ گناه‌کار بودن عادلان. واکنشی که ایجاد می‌کند، اعتراف به گناه و مرثیه هست؛ اندوه ما برای گناهمون. دوماً، به موضوع ثانوی، راز مشیت الهی هست. همه‌ی ما این تجربه رو داشتیم، این‌طور نیست؟ چرا خدا این کار رو می‌کند؟ در راز مشیت الهی، یکی از رازها اینه که چرا شریران موفق می‌شن؟ مزامیری درباره‌ی این هست که واقعاً کمک می‌کند. واکنش انسان، حسادته. این صداقت کتاب مزامیره. گاهی اوقات ما به شریران حسادت می‌کنیم.

اما بعد برای آرامش دعا می‌کنیم. راز دیگه‌ی مشیت الهی، رنج عادلانه. اگه موفقیت شریران، به رازه، شاید حتی راز بزرگ‌تر اینه که عادلان باید رنج بکشند. واکنش انسان، شکایت و دعا برای تسکین و آرامشه. کتاب مزامیر اینو به زبون میاره؛ می‌بینیم که با صدای قدرتمند اینو می‌گه. نهایتاً، موضوع ثانوی، اعتماد به خدا و آینده، با وجود سختی‌هاست.

این‌جا برای آرامش دعا می‌کنیم و خدا رو ستایش می‌کنیم. پس این‌ها موضوعاتی هستند که به شکل‌های گوناگون در مزامیر ترکیب شدند و امیدوارم در ادامه بهشون رسیدگی کنیم. روش ما اینه که الآن به بعضی از اون‌ها رسیدگی کنیم؛ به بعضی از مزامیر به‌طور جداگانه و گاهی به تعدادی از مزامیر با همدیگه رسیدگی می‌کنیم. من اون‌ها رو انتخاب کردم تا سعی کنم توجه‌مون رو به مسائل خاصی در مطالعه‌ی مزامیر متمرکز کنم.

پس به‌طور تصادفی این مزامیر رو انتخاب نکردم، بلکه مزامیر هدفمندی هستند که در ادامه به ما کمک می‌کنند تا مزامیر رو بهتر درک کنیم. پس دفعه‌ی بعد با مزمور ۱۱ ادامه می‌دیم. متشکرم.